

بسم الله الرحمن الرحيم

انتخابات ماليزيا



(ترجمه)

پرسش:

انتخابات ماليزيا به تاريخ 9 می 2018م انجام گرفت و نتیجه این شد که نجیب، نخست وزیر برحال، شکست خورد و مهاتیر برنده شد. لازم به ذکر است که مهاتیر دهه نود عمرش را پشت سر گذاشته، بناءً طوری به نظر می رسد که انگار نقشه ای مشخصی در پس پرده در مورد این انتخابات طراحی گردیده بود. پرسش این است که آیا انگیزه های خارجی در این خصوص وجود داشته و یا چنان که ادعاء می شود، بازی دموکراتیک داخلی در کار است؟

پاسخ:

1- ساختار جغرافیایی ماليزيا طوری است که در بخش جنوبی آن شبه جزیره ملايو و در بخش شمالی آن جزیره بورنیو موقعیت دارد و فاصله گسترده ای از بحر جنوبی چین در میان این دو جزیره قرار گرفته. اسلام در این منطقه توسط بازرگانان مسلمان و در قرن سیزدهم میلادی راه یافت، طوری که نخست حاکمان و افراد نخبه اسلام را به صفت دین خویش برگزیدند، سپس میان عام مردم منتشر گردید. سلطنت مالکا که در شبه جزیره ملايو حاکمیت می نمود، از جایگاه برجسته ای برخوردار بود، زیرا پس از آن که راه های تجارت بحری به دلیل جنگ های مغول ها مسدود گردید، تجارت از طریق بحر در آن رونق فراوانی پیدا نمود. این سلطنت استقلال خویش را در قرن پانزدهم میلادی از چین گرفت و پس از کسب استقلال، اسلام را به صفت دین رسمی خویش برگزید و آن را به سرعت در سراسر این جزیره منتشر نمود، زیرا این حاکمیت از قدرت و جایگاه بلندی برخوردار بود. اما با وجود آن هم این منطقه در

سال 1511م و به وسیله همین سلطنت، زیر استعمار پرتگال قرار گرفت، آنگاه که فردی را از داخل تطمیع نمودند تا دروازه قلعه پایتخت را به روی استعمارگران باز نماید. سپس در سال 1641م، هالندی‌ها آمدند و استعمار این جزیره در سال 1786م و از طریق تجارت و معاهده‌های اجاره بندرها آغاز گردید. انگلیس‌ها استراتژی استفاده از نژادهای "ساکنان این جزیره" را روی دست گرفتند تا حاکمیت عملی از آن خودشان بوده و پادشاهان باقی مانده به عنوان حکام سمبولیک حضور داشتند. اتحاد مالایوها در این شبه‌جزیره باعث شد استقلال‌شان را از انگلیس در سال 1957م رسماً بگیرند.

دولت مالیزیا در سال 1963م و پس از اتحاد جزیره ملایو با جزیره بورنیو تشکیل گردید. هرچند سنگاپور در سال 1965م از طریق رأی‌گیری در پارلمان مالیزیا از پیکر آن جدا گردید، اما این منطقه نیز در تشکیل دولت مالیزیا در سال 1963م نقش داشت.

2- معلوم است که تسلط سیاسی انگلیس بالای مالیزیا، حتی بعد از استقلال این کشور نیز ادامه داشت، به طور مثال:

الف) مالیزیا همواره عضو "کومنولث انگلیس" و یکی از اعضای جریان عدم انحصار بوده که در سال 2003م به آن ملحق شد. در عین حال یکی از اعضای مؤسس رابطه ملت‌های جنوب شرق آسیا و سازمان کنفرانس اسلامی می‌باشد، که تونکو عبدالرحمن نخست وزیر این کشور، نخستین سرمنشی آن بود.

ب) پیش نویس دفاع از قدرت‌های پنجگانه در سال 1971م میان انگلیس، استرالیا، نیوزلند، مالیزیا و سنگاپور امضاء شد و این در حالی بود که "شرق سویس" که مربوط به انگلیس بود، از آن خارج شد. لازم به ذکر است که استرالیا در سال 1971م توسط حزب لیبرال حکومت می‌شد، حزبی که در سراسر قرن بیست و ابسته به انگلیس بود.

ج) مهاتیر محمد نخست وزیر مالیزیا با ساختن سازمان اوپیک وابسته به امریکا مخالفت نمود. این سازمان در سال 1989م توسط استرالیا و زیر رهبری رئیس حزب کارگر راه‌اندازی گردید، حزبی که وابسته به امریکا بود. وریت هوک رهبر حزب کارگر استرالیا و بول کیتنگ نخست وزیر این کشور، مهاتیر را به دلیل عدم حضورش در گردهمایی سال 1993م سازمان اوپیک در سیاتل امریکا متمرّد خواند.

د) مهاتیر محمد در سال 1997م سازمان دیگری به عنوان بدیل اوپیک زیر نام مجموعه اقتصادی شرق آسیا پیشنهاد نمود، اما این مفکوره ناکام مانده و بعدها به گردهمایی‌های نشست شرق آسیا ملحق گردید، که شامل استرالیا بود، اما به رهبری جون هاورد نخست وزیر لیبرال وابسته به انگلیس فعالیت می‌نمود، لیکن با وجود آن هم سرانجام امریکا از آن اخراج گردید. امریکا و روسیه نتوانستند در سال 2011م به این مجموعه ملحق شوند.

3- انگلیس متوجه شد که امریکا خودش را به نجیب رزاق، نخست وزیر اسبق مالیزیا نزدیک می‌کند، بناءً نگران شد که مبادا او به جانب امریکا تمایل پیدا کند؛ هرچند در حکومت قبلی مالیزیا که وابسته به انگلیس بود، به عنوان وزیر فعالیت می‌نمود و هرچند وی از اعضای حزب حرکت ملی مالیزیای متحد بود، که از استقلال به بعد، بالای این کشور حکومت می‌نمود. در زیر به برخی از نشانه‌هایی که نشان دهنده این نگرانی انگلیس بود، اشاره می‌شود:

الف) اوباما در ماه اپریل 2014م به مالیزیا سفر نمود و وی نخستین رئیس جمهور امریکا بود که پس از 50 سال، از مالیزیا دیدن می نمود. وی در این سفر اعلان نمود که روابط روابط مالیزی- امریکا را به مشارکت فراگیر ارتقا می دهد، تصمیمی که بخشی از سیاست اوباما زیر عنوان "محور آسیا" به شمار می رفت.

ب) نجیب و اوباما مثل دو دوست بوده و در ماه دسمبر 2014م، در جزایر هاوایی باهم "گولف" بازی نمودند و سپس اوباما در ماه نومبر 2015م برای بار دوم از مالیزیا دیدن به عمل آورد.

ج) نجیب با قوت تمام از مشارکت تجاری از طریق بحر آرام پشتیبانی نمود، مشارکتی که به پیشنهاد امریکا به وجود آمد. وی اصرار نمود که امریکا نیز باید در این مشارکت سهیم باشد. سپس بعد از آن که امریکا در زمان حکومت ترامپ از این مشارکت بیرون رفت، جهت تداوم برنامه تجاری با جاپان همکاری نمود. پس از آن که ایالات متحده از توافق مشارکت تجاری از طریق بحر آرام بیرون رفت، نزدیک بود این مشارکت از هم بپاشد، اما ویتنام و مالیزیا توانستند در نجات دادن 11 دولت و بقای آن در این مشارکت، نقش بسیار مهمی را بازی نمودند. (منبع: <https://asia.nikkei.com/Economy/Vietnam-and-Malaysia-play-vital-roles-in-making-TPP>)

(-11)

4- به نظر می رسد انگلیس با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات سال 2018م، قصد دارد یک بار دیگر به مزدور قدیم و مخلص اش (مهاتیر محمد) روی آورده، کسی که از آدرس اپوزسیون به هدف دستیابی به قدرت وارد میدان کارزار شد. انتظار می رود مالیزیا در حال حاضر از سیاست های امریکا فاصله گرفته و فعالیت هایش را برای کاستن از مداخلات امریکا در منطقه از سر گیرد و این چیزی است که سیاست های انگلیس در پی آن قرار دارد.

10 رمضان 1439 هـ.ق

26 می 2018م